

**Investigating the Role and Position of Parties in the
Russian Political System**

Khodayar Barari¹

Assistant Professor, Department of Russian Studies, Faculty of World
Studies, University of Tehran, Tehran, Iran

Roghaye Keramatnia

A Ph.D. Candidate, Russian Studies, Faculty of World Studies,
University of Tehran, Tehran, Iran

(Date received: 5 August 2023 - Date approved: 21 January 2024)

Abstract

Introduction: Parties act as political institutions that connect government and society. They also play a vital role in the political endurance of nations. The Russian Federation is one of the countries that has an active multi-party system. The formation of parties in Russia started later than in Western Europe. The first political parties were formed under Tsar Nicholas II in the late 19th and early 20th centuries. However, until 1905, the establishment of political associations in Russia was strongly opposed until the declaration of October 17, 1905. With the October Revolution of 1917, a one-party system was gradually formed in Russia, thus ending the first period of party formation.

At the end of the Soviet era in the late 1980s and after the implementation of “Perestroika” and “Glasnost” by Mikhail Gorbachev, important changes took place in the Russian political system. This especially led to the re-emergence of parties. In the first years after the collapse of the Soviet Union, the emergence of political parties was very rapid and numerous. Subsequently, during the following years, the party structure of the Russian Federation experienced significant numerical and substantive changes, a subject which this article tries to investigate.

1. E-mail: khbarari@ut.ac.ir (Corresponding Author)

Research question: What is the role of political parties in the political life of Russia? Do all Russian political parties have equal influence and rights since Vladimir Putin assumed power?

Research hypothesis: The hypothesis of this article is that the party system in Putin's Russia is effectively a “dominant party” system; in which parties affiliated with Putin’s United Russia Party primarily dominate and control the legislative process. The authors of this article also argue that the amendment of the Russian constitution in 2020 did not change the role and position of Russian parties in practice.

Methodology: In order to conduct this research and answer the key questions, a descriptive-analytical approach has been chosen. In addition, the authors have explained the problem and investigated the issue by collecting and analyzing the required data through desk research and descriptive analysis of available sources (articles, books and reliable internet sources).

Results and discussion: The approval of the law on political parties in 2001 and the imposition of party electoral thresholds (minimum share of primary votes: 5-7 percent) drastically reduced the number of parties. But in October 2011, the government passed a bill to simplify party registration. After the approval of this law, the number of parties increased. From the 4th Duma (2003) to the 8th Duma (2021), the “United Russia” as Putin's “Party of Power” has always won an absolute majority of votes. This party has the largest number of representatives in the State Duma and in the regional parliaments.

Since power in Russia is ultimately concentrated in the hands of the president, it is in the interests of political parties and party elites to get close to him in order to reduce any tensions and disagreements. Indeed, due to the dominance of the “Party of Power”, the Russian political party system is virtually non-competitive. This is the main problem of party development in today’s Russia. Therefore parliamentary parties have many resources, while non-parliamentary opposition parties have neither resources nor political stability.

Considering the contemporary dominance of certain political parties in the Russian parliament and their failure to replace with newer parties,

it has definitely reduced the interest and willingness of Russian citizens to vote. In this regard, in 2016, the lowest participation rate in the history of parliamentary elections of the Russian Federation was recorded with only 47.88 percent. This low turnout was in contrast to the previous four elections, in which 60 percent of all eligible voters participated and two elections, in which 55 percent participated.

Several amended articles of the Russian constitution actually strengthen the role and position of the president. For example, according to clause 2 of Article 95 of the Constitution of the Russian Federation, the number of representatives of the President in the Federation Council increases from 17 to a maximum of 30. Likewise, Articles 129 and 107 increase the interference of the President in the judiciary and thus limit the independence of the country's judiciary. On January 15, 2020, Vladimir Putin once again inexplicably reiterated the need for a strong presidential system and sufficient powers for the president in Russia.

Conclusion: Although according to the constitution of the Russian Federation (2020), the country has a multi-party system, but in practice, the Power Party (United Russia) plays the main role compared to other parties in Russia. The party system in Russia has become the dominant party system. Russian political parties are not an effective bridge between the people and the government due to the weakness of civil society in Russia. Therefore, until a strong civil society is formed in Russia, the country's political parties will not play a central role as a link between civil society and the government. The "United Russia" party as the dominant political party in power, has practically become Putin's tool to hold the majority of seats in the parliament. As a result, when Putin wants to become the president of Russia, through this party and in the name of "the will of the Russian people" he can influence the establishment of laws in Parliament without opposition and in line with his political interests.

Keywords: Political Parties, Multi-Party System, Dominant Party, The United Russia, Russia, Putin.

نقش و جایگاه احزاب در نظام سیاسی روسیه

خدایار براری^۱

استادیار، گروه مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران

رقیه کرامتی‌نیا

دانشجوی دکتری مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱)

چکیده

احزاب به‌عنوان نهادهای سیاسی در نقش رابط جامعه و دولت عمل می‌کنند و در حیات سیاسی کشور نقش دارند. فدراسیون روسیه از کشورهایی است که احزاب مختلفی در آن فعالیت می‌کنند. هدف این نوشتار تحلیل نقش احزاب در نظام سیاسی روسیه است. در پاسخ به این پرسش که احزاب سیاسی روسیه از زمان به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور در سال ۲۰۰۰ چه نقش و جایگاهی در حیات سیاسی این کشور دارند؟ این فرضیه مطرح می‌شود که نظام حزبی در روسیه پوتین در عمل، یک نظام «حزب مسلط» است که در آن حزب وابسته به قدرت (حزب روسیه واحد) بر روند قانون‌گذاری مسلط است و دیگر احزاب در رقابت با این حزب حمایت چندانی نمی‌شوند و توان زیادی ندارند. افزون بر این، به باور نویسندگان این نوشتار، اصلاح قانون اساسی در سال ۲۰۲۰ نیز تغییر چندانی در نقش و جایگاه احزاب روسیه ایجاد نخواهد کرد. روش پژوهش در این نوشتار که با رویکرد توصیفی تحلیلی نوشته شده است، کیفی است. داده‌های مورد نیاز برای تبیین مسئله و بررسی موضوع، با مطالعات کتابخانه‌ای (مقاله‌ها، کتاب‌ها و منابع معتبر اینترنتی) گردآوری و تحلیل شده است. از نظر دوره زمانی، این نوشتار با اشاره به تحولات احزاب سیاسی روسیه پیش از حکومت پوتین، وضعیت آن‌ها را در این کشور در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ بررسی کرده، با تحلیل اصلاحات سال ۲۰۲۰ قانون اساسی روسیه، چشم‌انداز نقش‌آفرینی احزاب سیاسی این کشور را ارزیابی می‌کند.

واژگان اصلی: احزاب سیاسی، نظام چندحزبی، حزب مسلط، روسیه واحد، روسیه، پوتین.

۱. نویسنده مسئول: khbarari@ut.ac.ir

مقدمه

حزب سیاسی از مهم‌ترین نهادهایی است که کاربست حقوق شهروندان در جوامع دموکراتیک، بدون نقش‌آفرینی آن قابل تصور نیست. احزاب به‌عنوان نهادی سیاسی در نقش رابط بین جامعه و دولت عمل می‌کنند، تعامل حکومت با مردم را تقویت می‌کنند و بر حیات سیاسی کشورها تأثیر می‌گذارند. مشارکت مردم در اداره کشور به‌وسیله احزاب سیاسی رقم می‌خورد. فدراسیون روسیه نیز از کشورهایی است که احزاب گوناگونی در آن فعالیت می‌کنند. همواره از نگاه ناظران این پرسش درباره روسیه مطرح است که آیا می‌توان وجود چند حزب در این کشور را یکی از پایه‌های نظام مشروطه و همچنین شهادی بر دموکراتیک‌بودن حکومت روسیه ارزیابی کرد یا خیر؟

در این نوشتار ضمن پرداختن به مسئله احزاب در اندیشه سیاسی روسیه و تحول‌های شکل‌گیری احزاب در این کشور، به نقش احزاب در نظام سیاسی روسیه دوران پوتین می‌پردازیم. در این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش هستیم که احزاب سیاسی روسیه از زمان روی کار آمدن ولادیمیر پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور در سال ۲۰۰۰ چه نقش و جایگاهی در حیات سیاسی این کشور دارند؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه مطرح می‌شود که نظام حزبی در روسیه امروز در عمل ماهیتی غیررقابتی دارد و آنچه در روسیه پوتین شکل گرفته، تداعی‌کننده نظام حزب مسلطی است که در آن حزب وابسته به قدرت، بر روند قانون‌گذاری تسلط یافته است و سایر احزاب توان چندانی در رقابت با آن ندارند. حزب «روسیه واحد» به‌عنوان حزب قدرت با دراختیارداشتن بیشتر کرسی‌های پارلمان، در عمل به ابزاری سیاسی برای پوتین تبدیل شده است. در ضمن، اصلاح قانون اساسی در سال ۲۰۲۰ نیز تغییر چندانی در میزان نقش‌آفرینی احزاب روسیه ایجاد نکرده است و در نتیجه، هر زمان که رئیس‌جمهور اراده کند، به‌وسیله این حزب قدرت و در ظاهر به نام «خواست مردم روسیه» می‌تواند بر وضع قوانین در مجلس در جهت منافع خود تأثیر بگذارد.

در این نوشتار می‌کوشیم با بهره‌گیری از منابع بیشتر روسی، موضوع را تحلیل کنیم. روش پژوهش در این مطالعه، تحلیل محتوای کیفی است. ابتدا موضوع با توجه به اهمیت و ضرورت آن در حوزه مطالعات کشورشناسی انتخاب و منابع و پژوهش‌های مرتبط با موضوع جمع‌آوری و مطالعه شده است. سپس متناسب با مسئله نوشتار، پرسش اصلی طرح و برای پاسخ به آن، فرضیه پژوهش مطرح شده است. در ادامه، داده‌های مورد نیاز براساس منابع مربوط گردآوری و تحلیل شده است. در این نوشتار، داده‌ها با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اخبار خبرگزاری‌ها و سایت‌های معتبر گردآوری شده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های پیشین در رابطه با موضوع نوشتار را می‌توان دست‌کم در سه دسته ارزیابی کرد. برخی از آثار با رویکردی تاریخی به موضوع احزاب سیاسی در روسیه امروز پرداخته‌اند. خواستوا^۱ (۲۰۱۳) در مقاله «ویژگی‌های روند شکل‌گیری احزاب سیاسی در روسیه پیش از انقلاب» با رویکرد تاریخی روند شکل‌گیری احزاب در روسیه پیش از انقلاب ۱۹۱۷ را بررسی کرده است. بالتسکیخ^۲ (۲۰۱۶) در مقاله «احزاب سیاسی در روسیه در گذشته و حال» از دو دوره شکل‌گیری نظام حزبی در روسیه تحلیلی مقایسه‌ای ارائه کرده است.

گروه دوم، به احزاب سیاسی در روسیه معاصر توجه کرده‌اند. لئونوف^۳ (۲۰۱۹) در مقاله «سیستم چندحزبی روسیه در جدیدترین تاریخ‌نگاری میهنی» به تفاوت شکل‌گیری احزاب سیاسی در کشورهای توسعه‌یافته و روسیه پرداخته و بر تأثیر تفاوت توسعه جامعه به صورت اندام‌وار و دستوری تأکید کرده است. گایسینا^۴ (۲۰۱۹) در مقاله «احزاب سیاسی و نظام حزبی روسیه: موضوع دسته‌بندی احزاب» ضمن ترسیم مراحل و شرایط پیدایی احزاب و اهمیت آن‌ها در روند سیاسی از ابعاد گوناگون به طبقه‌بندی احزاب سیاسی در روسیه پرداخته است. نیکوننکو^۵ (۲۰۱۳) در مقاله «جامعه مدنی و احزاب سیاسی در چرخه انتخابات فدرال در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲: متحدان یا مخالفان؟» با تمرکز بر انتخابات دوما در سال ۲۰۱۱ و مبارزه‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۲، با اشاره به فعال‌شدن بخشی از جامعه مدنی روسیه، در مورد امکان تعامل دولت، احزاب سیاسی و جامعه مدنی در این کشور صحبت می‌کند. همچنین در میان آثار فارسی می‌توان از مقاله نوری (۱۳۸۶) با عنوان «احزاب و فرآیند سیاست‌گذاری خارجی روسیه در دوره پوتین» نام برد. رشیدی (۱۳۹۵) نیز در مقاله «رهیافت‌های متعارض در سیاست خارجی روسیه» به احزاب سیاسی این کشور، به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در رابطه با موضوع مقاله اشاره کرده است.

دسته سوم، با رویکرد حقوقی، قوانین مربوط با فعالیت احزاب سیاسی در روسیه امروز را بیان و بررسی کرده‌اند. مانند زوتوا^۶ (۲۰۰۱) که در کتاب «احزاب سیاسی روسیه، سازماندهی و فعالیت» علاوه بر مطالعه سرشت، کارکردها و گونه‌شناسی احزاب سیاسی روسیه، مبانی قانونی ایجاد و فعالیت احزاب و همچنین پیش‌نویس قانون فدرال در مورد احزاب سیاسی روسیه را

۱ Khvostova

۲ Bolotskih

۳ Leonov

۴ Gaisina

۵ Nikonenko

۶ Zotova

بررسی کرده است. کوالنکو (۲۰۲۰)^۱ فصل ششم کتاب درسی «سیاست جدید روسیه: روابط سیاسی، نهادها، فرآیندها» را به بررسی نظام حزبی اختصاص داده و با بیان مبانی مفهومی، وظایف و هدف‌های حزب سیاسی، به شکل‌گیری احزاب در روسیه و قوانین جاری مربوط با فعالیت احزاب سیاسی در این کشور اشاره کرده است. تومینوا^۲ (۲۰۱۹) نیز در مقاله «اصلاح نهاد احزاب سیاسی در روسیه: تاریخ و نوشدگی» با بررسی سیستم حزبی در روسیه جدید به آخرین تغییرهای قانونی مربوط با احزاب سیاسی پرداخته است.

چارچوب مفهومی، حزب و احزاب سیاسی

در مفهوم حقوقی، «حزب» سازمانی با سرشت سیاسی است که تأمین‌کننده منافع طبقه‌ای خاص یا قشری اجتماعی است که نمایندگان آن برای دستیابی به هدف‌های اصلی تشکیل حزب با هم متحد می‌شوند (Zevelev A.I. et al, 2000). ماکس وبر احزاب را سازمان‌های عمومی مبتنی بر پذیرش داوطلبانه اعضا می‌داند که هدفشان تصاحب قدرت و تأمین شرایط مناسب برای اعضای فعال، دستیابی به برخی مزایای مادی یا امتیازهای شخصی یا هر دو است (Zotova, 2001: 9).

در جوامع معاصر، احزاب یکی از عناصر اساسی نظام سیاسی هستند. آن‌ها به‌عنوان دربردارنده خط مشی‌های سیاسی رقیب و به‌عنوان نماینده منافع، مطالبات و هدف‌های گروه‌های اجتماعی ویژه به‌عنوان پیوندی بین جامعه و دولت عمل می‌کنند. احزاب در عملکرد سازوکار قدرت سیاسی مشارکت فعال دارند. ویژگی مهم فعالیت آن‌ها تأثیر عقیدتی خاص بر جامعه و نیز نقش قابل توجه آن‌ها در شکل‌گیری آگاهی سیاسی و فرهنگ است (Khvostova, 2013: 76). اندیشمندان، حزب سیاسی را چرخ دنده ماشین دموکراسی و ستون فقرات دموکراسی برشمردند (Alam, 1999). اما نظام‌های سیاسی با محوریت احزاب می‌توانند تک‌حزبی، دوحزبی یا چندحزبی باشند. نمونه نظام تک‌حزبی اتحاد شوروی است که در آن تنها حزب کمونیست بنابر قانون حق حیات داشت و دیگر احزاب اجازه فعالیت نداشتند. نظام سیاسی آمریکا نمونه روشنی از نظام‌های دوحزبی است که تحولات سیاسی با فعالیت دو حزب دموکرات و جمهوری خواه و رقابت‌های این دو حزب گره خورده است. فرانسه نیز از کشورهایی است که نظام چندحزبی در آن عمق یافته است.

احزاب در اندیشه سیاسی روسیه

^۱ Kovalenko

^۲ Tyumeneva

احزاب سیاسی در روسیه نسبت به اروپای غربی و در کل غرب، دیرتر پدیدار شدند. با این حال، اندیشمندان روسی سهم ارزنده‌ای در مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی به‌ویژه شناسایی احزاب سیاسی داشته‌اند. تعدادی از آن‌ها از نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، هم‌زمان با پیدایی این نهاد سیاسی اجتماعی در روسیه، به مطالعه مفهوم حزب سیاسی و نقش آن به‌عنوان واسطه‌ای بین جامعه و دولت پرداختند. از جمله این پژوهشگران باریس چیچرین^۱، الکساندر گراڈفسکی^۲، مایسی آستراگرسکی^۳ و ایوان ایلین^۴ هستند.

مایسی آستراگرسکی (۱۸۵۴-۱۹۱۹) در سال ۱۸۹۸ ایده‌هایی را طرح می‌کند که بعدها پارتو^۵ و موسکا^۶ آن‌ها را گسترش داده‌اند. وی به این واقعیت می‌پردازد که احزاب، ناگزیر سرشتی غیردموکراتیک پیدا می‌کنند. از نگاه او در احزاب «تفکر گردانی»^۷ حاکم است و وظایف به‌صورت آمرانه و سلسله‌مراتبی به تمامی اعضا تحمیل می‌شود. این ویژگی دستوری موجب می‌شود تا فردگرایی از زندگی سیاسی زدوده شود و منبع اندیشه سیاسی از بین رود (Toshchenko, 2018: 49). این ویژگی نشان‌دهنده سرشتی متناقض در احزاب سیاسی است. به‌طوری که احزاب سیاسی لازمه نظام‌های دموکراتیک و بیانگر آزادی بیان در چنین نظام‌هایی هستند، اما در خود حزب این موضوع با تناقض روبه‌رو می‌شود و اعضای حزب باید پیرو تصمیم‌ها و قوانین حزب باشند، در نتیجه، آزادی فردی اعضا نقض می‌شود.

آستراگرسکی همچنین عقیده داشت، وجود چند حزب ناجی اوضاع جامعه نخواهد بود. او سیستم دوحزبی را هم که به‌طور معمول به‌عنوان سنگ بنای دولت پارلمانی در نظر گرفته می‌شود، عنصر اصلی «آشوب»^۸ می‌داند. از نظر وی، حتی اگر همه مردم بتوانند از قدرت کنترل مستقیم بر دولت برخوردار شوند، بازهم روش‌های اقدام آن‌ها به هر ترتیب توسط احزاب سیاسی به خطر می‌افتد (Toshchenko, 2018: 49). او به‌نوعی دیکتاتوری در سرشت نظام حزبی و موجودیت واقعی احزاب باور داشت.

باریس چیچرین (۱۸۲۸-۱۹۰۴) نیز بیش از یک قرن پیش برای احزاب به ویژگی‌هایی همچون وجود ساختار سازمانی، جهت‌گیری برای دستیابی به قدرت دولت، برخورداری از برنامه‌های ایدئولوژیک و سیاسی و تمایل به جلب حمایت بیشترین تعداد شهروندان

^۱ Чичерин, Борис (1828–1904)/ Boris Chicherin

^۲ Градовский, Александр (1841-1889)/ Aleksandr Gradovsky

^۳ Острогорский, Моисей (1854– 1919)/ Moisey Ostrogorsky

^۴ Ильин, Иван (1883-1954)/ Ivan Ilyin

^۵ Vilfredo Pareto

^۶ Gaetano Mosca

^۷ Батальонное Мышление/ Battalion Thinking

^۸ Смуты/ Troubles

اشاره کرده است که به طور کامل جدید به نظر می‌رسد. از نظر وی احزاب دومین نهاد سیاسی مهم پس از نهاد «دولت» هستند. ویژگی‌های کلی احزاب نیز از سرشت جامعه‌ای در حال توسعه نشأت می‌گیرند (Andreev, 2010). همچنین تناوب حکمرانی هر حزب به ثبات رژیم سیاسی کمک می‌کند و از بروز مناقشات اجتماعی می‌کاهد. چیچرین، ضمن هواداری از سیستم دوحزبی، نقد محتاطانه‌ای هم نسبت به احزاب ارائه می‌دهد (Toshchenko, 2018). از نظر وی، تأکید بیش از حد بر روحیه حزب‌گرایی به کاهش اهمیت منافع جامعه در حوزه سیاسی و در نتیجه، نقض قوانین بنیادین فعالیت و توسعه جامعه می‌انجامد (Andreev, 2010).

دوره نخست پیدایش احزاب در روسیه

شکل‌گیری احزاب سیاسی در روسیه به فعالیت سازمان‌های مخفی جنبش موسوم به «دکابریست‌ها» برمی‌گردد. سرکوب جنبش دکابریست‌ها در سال ۱۸۲۵ از سوی حکومت، هم موجبات توسعه بیشتر جنبش‌های اجتماعی را فراهم کرد و هم به تشدید روحیه محافظه‌کارانه انجامید. زیرا فعالیت همه گروه‌ها، به جز محافظه‌کاران، از سوی دولت منفی ارزیابی شده است و در نتیجه، این گروه‌ها بسته یا پراکنده می‌شدند. مخالفان روشنفکر روسی با درک اینکه هیچ امکانی برای همکاری با حکومت وجود ندارد، در مسیر مبارزه انقلابی گام برداشتند که بسترهای آن، در نیمه دوم قرن نوزدهم در تأثیر آموزه‌های گرتسن و چرنیشفسکی فراهم شد^۱ (Sapronov, 2017). در دوره حکومت نیکلای دوم (۱۸۹۴-۱۹۱۷) نیز هرگونه فعالیت اجتماعی در کنترل شدید دولت بود و حتی ساده‌ترین ایده‌ها برای محدود کردن قدرت حکومت مطلقه، ارائه آزادی‌های سیاسی، توسعه دموکراسی و ایجاد حاکمیت قانون، جرم محسوب می‌شد. همین مسئله، انقلابیون روسیه را به سوی ایجاد سازمان‌های انقلابی پیش برد (Bolotskikh, 2016: 96-97). در نبود آزادی‌های سیاسی، اولین احزاب سیاسی چپ‌های افراطی بودند که در مسیر مبارزه انقلابی علیه خودکامگی گام برداشتند. سازمان‌های انقلابی مخفی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ را باید پیشگامان اصلی احزاب متمایل به چپ در روسیه دانست (Stepanov, 2008: 6-8). این جنبش‌ها از نظر سازمانی و کارکردی حزب به شمار نمی‌آیند، اما زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری احزاب سیاسی در روسیه را فراهم کردند.

۱. مهم‌ترین سازمان مخفی این دوره «زملیا ای وُلّیا- زمین و اراده» بود که در ادامه به دو دسته منشعب شد: یکی با حضور سیاست‌مداران به نام «نارودنایا وُلّیا+ اراده مردمی» و دیگری تندروهای انقلابی و روستاییان، به نام «چُرّنی پریدل ۱- توزیع مجدد سیاه» (Sapronov, 2017).

اولین تشکیلاتی که در روسیه تزاری موجودیت خود را به‌عنوان احزاب سیاسی اعلام کردند، حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه^۱ و حزب انقلابیون سوسیالیست (اس ارها)^۲ بودند که به ترتیب در سال ۱۸۹۸ و سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۲ فعالیت خود را آغاز کردند (Kovalenko, 2020: 119). البته تا سال ۱۹۰۵، ایجاد انجمن‌های سیاسی در روسیه به‌شدت پیگرد داشت. تا اینکه تصویب بیانیه ۱۷ اکتبر ۱۹۰۵ «در مورد بهبود مقررات دولتی»، دریچه‌هایی به روی احزاب، اتحادیه‌ها، جوامع و جنبش‌ها گشود. به‌طوری که بنابر برخی پژوهش‌های تاریخی، حدود ۳۰۰ حزب سیاسی، سازمان و جنبش در روسیه پدیدار شد (Stepanov, 2008: 6). به این ترتیب، در دهه نخست قرن بیستم احزاب سیاسی با سه جهت‌گیری اصلی انقلابی، اصلاح‌طلب و سلطنت‌طلب در روسیه فعال بودند. در این دوره، ده‌ها سازمان کوچک‌تر دیگر نیز در روسیه وجود داشت که در پی انعکاس منافع طبقه خود و دفاع از آن‌ها بودند (Bolotskikh, 2016: 96-100). هسته اصلی احزاب را روشنفکران تشکیل می‌دادند، آن‌ها به توسعه آموزه‌ها و برنامه‌های حزب می‌پرداختند و مدیریت نشریه‌های حزب را بر عهده داشتند (Leonov, 2019:45).

همچنین اصلاحات سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ به ایجاد اولین پارلمان روسیه به نام دومای دولتی انجامید که شکل‌گیری سیستم احزاب روسیه را تسریع کرد. احزاب روسی در انتخابات نمایندگان چهار دوره مجلس و تشکیل دومای دولتی (تا پیش از انقلاب اکتبر) شرکت فعالی داشتند و برخی از آن‌ها به دوما راه یافتند (Kovalenko, 2020: 119). در این دوره، احزاب سلطنت‌طلب راست‌گرا توجه بسیار کمی به مسئله کارگران داشتند و از این‌رو، نتوانستند حمایت کارگران را جلب کنند. در حالی که برنامه‌های احزاب چپ به مسئله کارگران معطوف بود (Zabolotskikh, 2016: 193). اما در سال ۱۹۱۷ روسیه با تحولاتی بنیادین روبه‌رو شد که از همه ابعاد بر این کشور تأثیر گذاشت. روسیه که تازه در مسیر نظام چندحزبی و پارلمانی گام برداشته بود، با روی کار آمدن بلشویک‌ها، ناگزیر شکل جدیدی از نظام سیاسی را تجربه کرد که بیش از هفت دهه به طول انجامید. پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ به تدریج یک نظام تک‌حزبی کمونیستی شکل گرفت که ساختارهای دولتی و حزبی را متحد کرد.

بلشویک‌ها در ابتدا برای مدتی از ائتلاف رسمی با اس ارهای چپ (انقلابیون سوسیالیست) حمایت کردند، ولی اس ارهای چپ در مارس ۱۹۱۸ شوروی را ترک کردند. تابستان ۱۹۱۸ نیز منشویک‌ها و اس ارهای راست از شوروی اخراج شدند (Stepanov, 2008: 6). مصوبه شورای کمیساریای خلق روسیه، حزب کادتها را نیز غیرقانونی

^۱ Российская социал-демократическая рабочая партия (РСДРП)/ Russian Social Democratic Labour Party (RSDLP)

^۲ Эсеров/ Socialist Revolutionary Party (SRs)

اعلام کرد. در سال‌های ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ تقریباً همه رهبران و فعالان اکتبريست‌ها، انقلابيون سوسیالیست (اس آر ها) و تعداد قابل توجهی از منشویک‌ها سرکوب شدند. از اوایل دهه ۱۹۳۰ و تا نیمه دهه ۱۹۸۰، تلاش برای ایجاد سازمان‌های جایگزین به‌عنوان فعالیت ضدشوروی تلقی و شرکت‌کنندگان آن‌ها سرکوب می‌شدند. سرانجام در سال ۱۹۳۶، سیستم تک‌حزبی با انحصار حزب کمونیست اتحاد شوروی به‌عنوان واقعیتهای سیاسی تثبیت و در قانون اساسی کشور گنجانده شد (Kovalenko, 2020: 119).

از ویژگی‌های اصلی نظام حزبی در روسیه تزاری، تشکیل دیرهنگام احزاب سیاسی نسبت به کشورهای اروپای غربی و ایالات متحد است. همچنین بخش‌های غربی و تا حدی جنوب امپراتوری روسیه بر مرکز پیشی گرفتند. برای نمونه، گروه‌های حزبی در لهستان در خیزش‌های ملی سال‌های ۱۸۳۰ تا ۱۸۳۱ و ۱۸۶۳ تا ۱۸۶۴ و در دهه ۱۸۹۰ شکل گرفتند. در دهه ۱۸۹۰ احزاب انقلابی ارمنستان «هنچاک» و «داشناکسیون» به وجود آمدند. به‌علاوه احزاب انقلابی زودتر از سایر احزاب شکل گرفتند. لیبرال‌های مطیع قانون، ترجیح می‌دادند از نهاد «زمستوا»^۴ استفاده کنند. محافظه‌کاران نیز تا مدت‌ها به ایجاد سازمان‌های سیاسی احساس نیاز نمی‌کردند. ویژگی بعدی به روند نوسازی اقتصادی و اجتماعی روسیه پس از اصلاحات دولتی گسترده در دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد که مستلزم شتاب جدید و شدیدی بود که تأثیر بسزایی بر روند شکل‌گیری احزاب سیاسی در روسیه داشت؛ تعدد قابل توجه احزاب در روسیه نیز ویژگی برجسته‌ای نسبت به اروپای غربی بود. در آن زمان هیچ کشوری به اندازه روسیه حزب نداشت. به‌طوری که اگر در پایان قرن نوزدهم فقط سه حزب سیاسی در روسیه ایجاد شده بود، در شش سال اول قرن بیستم بیش از ۵۰ حزب و در سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۰ حدود ۹۰ حزب وجود داشت. همچنین در شرایط نبود پایگاه اجتماعی پایدار برای احزاب، در روسیه فقط احزاب طبقاتی وجود نداشتند، زیرا در آنجا ساختار اجتماعی جامعه، ضعیف‌تر از اروپای غربی بود و روشنفکران بودند که به ایجاد احزاب اقدام کردند نه طبقه موسوم به بورژوازی (Khvostova, 2013: 79).

دوره دوم، احیای نظام چندحزبی

۱. اکتبريست‌ها یا «اتحاد ۱۷ اکتبر» یک حزب لیبرال محافظه‌کار و پشتیبان دولت در ۱۹۰۵ تاسیس شده بود.

۲. Гнчак/ Social Democrat Hunchakian Party (SDHP)

۳. Дашнакцутюн/ Dashnaktsutyun

۴. نهاد زمستوا، در سال ۱۸۶۴ به‌عنوان نهاد جدیدی برای حکومت محلی خودمختار، رسمیت قانونی یافت. شوراها و گردانندگان زمستوا در سطح محلی و ناحیه‌ای با شرکت مردم شهرها، گروه‌های روستایی و زمین‌داران و با توجه به میزان دارایی (زمین) انتخاب می‌شدند (McDaniel, 2010: 65).

رشد سریع تعداد احزاب سیاسی در روسیه پیش و پس از فروپاشی اتحاد شوروی آغاز شد. ده‌ها نهاد دوباره پدیدار شدند که به آن‌ها احزاب سیاسی گفته می‌شد. در نیمه دهه ۱۹۸۰ با تغییرهای عمیقی در سیاست خارجی و داخلی اتحاد شوروی همراه بود که بخش مهمی از این تغییرات به سیاست پرسترویکا معروف شد. رهبری کشور به ریاست میخائیل گورباچف، شعارهای شتاب، دموکراتیک‌سازی و گلاسنوست را مطرح کرد. برای اصلاح حزب کمونیست اتحاد شوروی هم تلاش‌هایی شد (Stepanov, 2008: 7). تغییر در حیات اجتماعی سیاسی شوروی به احیای سازمان‌های سیاسی جایگزین حزب کمونیست منجر شد: ابتدا در قالب جنبش‌های اجتماعی غیررسمی (۱۹۸۶-۱۹۸۹)، سپس با برگزاری اولین انتخابات رقابتی کنگره نمایندگان خلق اتحاد شوروی (۱۹۸۹) (Kovalenko, 2020: 120).

اصلاح ماده ۶ قانون اساسی شوروی مصوب سال ۱۹۷۷ در ۱۴ مارس ۱۹۹۰، در عمل به احیای نظام چندحزبی در شوروی انجامید. بنابر این اصلاحیه، نیروهای سیاسی مختلف حق مشارکت در توسعه سیاست دولتی و مدیریت امور دولتی و اجتماعی را دریافت کردند (Tyumeneva, 2019:20). به این ترتیب، سیستم چندحزبی و کثرت‌گرایی سیاسی به‌عنوان اساس نظام مشروطه در روسیه، اعلام و ایدئولوژی دولتی از قانون اساسی حذف شد. نظام سیاسی شوروی از یک نظام تک‌حزبی که فقط در اختیار حزب کمونیست بود به نظام چندحزبی تغییر یافت. از این رو به سرعت اولین سازمان‌های غیررسمی و سپس اولین احزاب سیاسی پدیدار شدند. در شرایطی که اقتدار و نفوذ حزب کمونیست اتحاد شوروی هم رو به نابودی می‌رفت.

در این زمان، بنابر برآوردهای مختلف، تا سال ۱۹۹۱ از ۳۰ تا ۱۰۰ سازمان در روسیه به وجود آمد که خود را حزب می‌نامیدند. در این میان، چندین حزب از جمله حزب لیبرال دموکرات، جمهوری‌خواه، دموکرات، سوسیال دموکرات و جنبش دموکراتیک مسیحی

۱ Перестройка /Perestroika

۲ Гласность/ Glasnost

۳. با تصویب قانونی مبنی بر تصدیق پست رئیس‌جمهور اتحاد شوروی و اصلاحات و پیوست‌ها در قانون اساسی شوروی.

۴ Либерально-Демократическая Партия России (ЛДПР)/ Liberal Democratic Party of Russia (LDPR)

۵ Республиканская Партия России / Партия Народной Свободы (РПР-ПАРНАС) / Republican Party of Russia – People's Freedom Party

۶ Демократическая Партия России (ДПР)/ Democratic Party of Russia (DPR)

۷ Социал-Демократическая Партия Российской Федерации (СДПР) (1990)/ Social Democratic Party of Russia

روسیه موفق به انجام مراحل ثبت شدند. رویدادهای ۱۹ تا ۲۱ اوت ۱۹۹۱ و تعلیق فعالیت و سپس انحلال حزب کمونیست اتحاد شوروی، نظام سیاسی کشور را به طور اساسی تغییر داد (Kovalenko, 2020: 120). از آنجا که حزب کمونیست، ستون نظام شوروی بود، انحلال آن به معنای نابودی اتحاد شوروی بود.

با شکل‌گیری فدراسیون روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، سیستم چندحزبی زنده شد. در این زمان احزابی با گرایش‌های سوسیالیستی شکل گرفتند. ضمن اینکه حزب کمونیست نیز از سال ۱۹۹۳ دوباره فعالیت رسمی خود را آغاز کرد. در این میان، احزابی با گرایش‌های لیبرال، ملی‌گرا و میهن‌پرست نیز شروع به فعالیت کردند (Koolae and Kalbali, 2014: 324-325).

جایگاه احزاب در نظام نیمه‌ریاستی فدراسیون روسیه

بند ۳ ماده ۱۳ قانون اساسی فدراسیون روسیه مصوب ۱۲ دسامبر ۱۹۹۳، بر اصل نظام چندحزبی به‌عنوان یکی از مبانی نظام مشروطه فدراسیون روسیه تأکید کرده است (Constitution of the RF 25.12.1993). پارلمان مهم‌ترین نهادی است که می‌تواند مؤید این نقش‌آفرینی باشد. در اولین دور دومای دولتی (۱۲ دسامبر ۱۹۹۳) سه حزب لیبرال دموکرات روسیه^۱، انتخاب روسیه^۲ و حزب کمونیست فدراسیون روسیه^۳ صدرنشین بودند؛ هیچ‌یک از احزاب، اکثریت مطلق پارلمان را نداشتند، بنابراین اولین دوما را می‌توان سیستم حزبی ائتلافی دانست. دومای دوم (۱۷ دسامبر ۱۹۹۵) در عمل، سیستمی چندحزبی با یک حزب غالب شکل گرفت و حزب کمونیست فدراسیون روسیه با به‌دست آوردن ۱۴۹ کرسی (حدود ۳۰ درصد) صدرنشین بود. اما به این معنا نبود که این حزب، امکان پیشبرد خط مشی سیاسی خود را بدون در نظر گرفتن نظرهای دیگر احزاب دومای دولتی داشته باشد. در دومای سوم (۱۷ دسامبر ۱۹۹۹) دوباره سیستم ائتلافی چندحزبی شکل گرفت.

حزب کمونیست فدراسیون روسیه با ۹۵ کرسی (۲۴ درصد) و حزب وحدت با ۸۱ کرسی (۲۳ درصد) صدرنشین بودند. علاوه بر این دو حزب، نمایندگانی از هفت حزب دیگر به دومای دولتی راه یافتند که تعداد نمایندگان برخی از آنها نیز قابل توجه بود. اما از سال ۲۰۰۳، روند جدیدی در ترکیب حزبی دومای دولتی پدیدار شد که تاکنون

^۱ Российское Христианское Демократическое Движение (РХДД)/ Christian Democratic Party of Russia

^۲ ЛДПР/ Liberal Democratic Party of Russia (LDPR)

^۳ Выбор России/ Choice of Russia

^۴ КПРФ/ Communist Party of the Russian Federation (CPRF)

با اندکی تغییر تداوم یافته است. در این سال، روسیه^۱ واحد ۲۲۳ کرسی یعنی تقریباً نیمی از کرسی‌های پارلمان را به دست آورد و در دومای پنجم (سال ۲۰۰۷) نیز با به دست آوردن ۳۱۵ کرسی (۶۴ درصد) اکثریت واجد شرایط را به دست آورد. در دور ششم (۲۰۱۱)، روسیه^۱ واحد با اندکی ریزش آرا نسبت به دوره پیش، ۲۳۸ کرسی (۴۹ درصد) را اشغال کرد (Gaysina, 2019: 68-69) و در دور هفتم (۲۰۱۶) نیز با به دست آوردن ۳۴۳ (۷۶،۲ درصد) کرسی اکثریت واجد شرایط را به دست آورد. احزاب سیاسی راه یافته در دور هشتم دومای دولتی روسیه (۲۰۲۱) و اختلاف آرای آن‌ها با دور قبل نیز در شکل ۱ مشخص شده‌اند.

شکل ۱. ترکیب مجلس دومای روسیه بنا بر نتایج انتخاب سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۱



^۱ Единая Россия (ЕР)/ United Russia

روسیه واحد در سال ۲۰۰۱ در نتیجه ائتلاف چندین حزب و گروه سیاسی حاضر در انتخابات دومای ۱۹۹۹ شکل گرفت (رشیدی، ۱۳۹۵: ۲۵۷).

Source: Authors based on data from the Russian state news agency RIA Novosti (Results of the State Duma elections, 2021)

در مورد انتخابات سال ۲۰۲۱ این نکته شایان توجه است که برای اولین بار در ۱۸ سال گذشته، حزب لیبرال تازه تأسیس «نویه لودی»^۱ به دومای دولتی راه یافت. این حزب با برنامه‌ای لیبرالی وارد کارزار انتخابات شد، اما الکسی نچایف، مؤسس این حزب در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ عضو شورای رقابت و کارآفرینی وابسته به دولت روسیه بود. در حال حاضر نیز در ستاد مرکزی جبهه خلق همه روسیه، یکی از وفادارترین سازمان‌ها به حکومت و شخص ولادیمیر پوتین حضور دارد (Meinhof, 2020). این حزب نیز به‌نوعی با دولت روسیه مربوط است.

بنابراین در طول شکل‌گیری سیستم حزبی در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ روابط میان حزبی را می‌توان ناپایدار یا انتقالی توصیف کرد. اما از سال ۲۰۰۳ تا به امروز، یک سیستم چندحزبی پایدار و با تسلط حزب قدرت ایجاد شده است (Gaysina, 2019: 69). در روسیه امروز، فعالیت احزاب براساس مفاد قانون فدرال «احزاب سیاسی» مصوب ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۱ (اصلاح شده در ۳۰ آوریل ۲۰۲۱ به شماره ۹۵) تنظیم می‌شود. «حزب» بنابر ماده ۳ این قانون با عنوان «مفهوم حزب سیاسی و ساختار آن» «انجمنی عمومی است که به‌منظور مشارکت شهروندان فدراسیون روسیه در حیات سیاسی جامعه با شکل‌گیری و ابراز اراده سیاسی آن‌ها، شرکت در اقدام‌های اجتماعی و سیاسی، انتخابات و همه‌پرسی و همچنین به‌منظور نمایندگی منافع شهروندان در نهادهای دولتی و دولت‌های محلی ایجاد شده است». این تعریف بیانگر اهمیت و هدف‌های احزاب سیاسی در روسیه است.

در ادامه این ماده قانونی در بند ۳، وظایف احزاب سیاسی را این‌گونه برشمرده است: شکل‌گیری افکار عمومی، آموزش و تربیت سیاسی شهروندان، بیان عقاید شهروندان در رابطه با موضوع‌های زندگی اجتماعی، اطلاع‌رسانی این نظرها به عموم مردم و مقام‌های دولتی، معرفی نامزدها برای انتخابات ریاست جمهوری فدراسیون روسیه، دومای دولتی و شورای فدراسیون روسیه و همچنین معرفی مقام‌های ارشد برای واحدهای سیاسی روسیه (رؤسای بالاترین دستگاه‌های اجرایی واحدهای فدراسیون) به نهادهای قانون‌گذار واحدهای سیاسی روسیه، معرفی مقام‌های منتخب خودگردانی محلی و نهادهای شهرداری‌ها، شرکت در انتخابات و همچنین شرکت در امور نهادهای منتخب (Federal Law of July 11, 2001, 2021).

در فدراسیون روسیه یک حزب سیاسی باید دست‌کم در نیمی از واحدهای کشور شاخه‌های منطقه‌ای داشته باشد. همچنین یک حزب سیاسی باید دست‌کم ۵۰۰ عضو داشته باشد (Gaysina, 2019: 66). این شرایط پیش از این دشوارتر بوده است؛ بنابر قانون فدرال «در مورد

^۱ Новые люди/ Novyye lyudi

^۲ Нечаев, Алексей/ Nechaev, Alexey

احزاب سیاسی» مصوب سال ۲۰۰۱، دست‌کم تعداد مورد نیاز اعضای حزب ۱۰ هزار عضو و دست‌کم تعداد مورد نیاز شعبه‌های منطقه‌ای در مناطق، در بیش از نیمی از واحدهای فدرال فدراسیون روسیه باید ۱۰۰ عضو باشد و در بقیه باید از ۵۰ نفر کمتر نباشد. در سال ۲۰۰۴ قانونی تصویب شد که بنابر آن دست‌کم تعداد لازم اعضای احزاب سیاسی پنج برابر افزایش یافت و تا سال ۲۰۰۶ باید هر حزب ۵۰ هزار عضو داشته باشد.^۱ علت این تصمیم ضرورت تشکیل احزاب سیاسی قدرتمند و مسئول در کشور بود. احزابی هم که این شرایط را نداشتند، باید به انجمن‌های عمومی غیرحزبی تبدیل یا منحل می‌شدند (Kovalenko, 2020: 125).

همچنین در سال ۲۰۰۵ به موجب قانون جدیدی درباره انتخابات دوما دست‌کم رأی لازم برای ورود احزاب به دوما از ۵ درصد به ۷ درصد افزایش یافت (Nikonenko, 2013: 317). در مجموع در این دوره، تشدید ضوابط مربوط به تعداد اعضا به کاهش احزاب سیاسی انجامید. به طوری که اگر در سال ۲۰۰۳، ۴۴ حزب سیاسی رسمی وجود داشت، در سال ۲۰۰۷ تعداد آن‌ها به ۱۵ حزب رسید و در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ فقط هفت حزب سیاسی رسمی در روسیه باقی مانده بودند. این وضعیت از یک سو به تدریج موجب حذف احزاب سیاسی کوچک از روند سیاسی شد و این احزاب، دیگر انگیزه کافی برای حفظ موقعیت خود را نداشتند؛ از سوی دیگر، از پیدایش احزاب جدید جلوگیری کرد. درک این مسئله، سرانجام موجب تجدیدنظر در الزام‌های قانونی و طراحی مجموعه‌ای از اقدام‌های قانونی، سازمانی و فنی به منظور ایجاد شرایطی برای تحریک رقابت سیاسی و تنوع عقیدتی سیاسی شد. به این ترتیب، در سال ۲۰۰۹ برای تأمین تنوع سیاسی، این قانون اصلاح شد که بنابر آن، تعداد اعضای احزاب سیاسی از ژانویه ۲۰۱۰ باید دست‌کم ۴۵ هزار عضو و از ژانویه ۲۰۱۲، ۴۰ هزار عضو باشد. با این حال، در آوریل ۲۰۱۲، الزام‌های یادشده با رسیدن به فقط ۵۰۰ عضو، ۸۰ برابر کاهش یافت (Kovalenko, 2020: 125). همچنین در این دوره در اکتبر ۲۰۱۱، دوما دولتی لایحه‌ای تصویب کرد که به موجب آن، حد نصاب ورود احزاب به دوما دولتی از ۷ درصد به ۵ درصد کاهش یافت (Nikonenko, 2013: 317).

به دنبال شرایط جدید که از آن به عنوان آزادسازی ثبت احزاب سیاسی یاد می‌شود، موج جدیدی از ایجاد احزاب سیاسی به راه افتاد؛ به طوری که اگر در ابتدای سال ۲۰۱۲ فقط هفت حزب سیاسی حق شرکت در انتخابات را داشتند این رقم در ژوئن ۲۰۱۳، به ۵۴ حزب، در ژوئن ۲۰۱۴ به ۶۹ و در آوریل ۲۰۱۵ به ۷۴ حزب سیاسی رسید (Borisenko and Chernysheva, 2020: 106). اما از سال ۲۰۱۶ دوباره تعداد احزاب رو به کاهش نهاد. به طوری که تا ژوئیه ۲۰۲۱ در وبگاه وزارت دادگستری روسیه نام ۳۴ حزب آمده است

۱. بر این اساس، شمار اعضای شعبه‌های منطقه‌ای نیز افزایش یافت و در بیش از نیمی از واحدهای فدراسیون روسیه این شمار به ۵۰۰ نفر رسید و در دیگر واحدها نیز ۲۵۰ نفر تعیین شد.

(List of Registered Political Parties, 2021). در این رابطه می‌توان به ممنوعیت استفاده از ابزارهای مالی خارجی برای نامزدهای یک حزب سیاسی از سال ۲۰۱۷ اشاره کرد. بنابراین یک شهروند موظف است هنگام معرفی نامزدی خود به‌عنوان عضوی از یک حزب، تمام حساب‌های خود در بانک‌های خارجی را ببندد. همچنین احزاب موظف هستند از گشایش حساب پس‌انداز و نگهداری دارایی‌های قیمتی خود در بانک‌های خارج از فدراسیون روسیه خودداری کنند. به بیانی، باید از «ابزارهای مالی خارجی» خودداری کنند (بند ۹ ماده ۲۶.۳ قانون) (Tyumeneva, 2019: 22).

همچنین احزاب نیز مانند هر پیکره اجتماعی، با گذشت زمان می‌توانند صحنه سیاسی را ترک کنند. انحلال یک حزب سیاسی هم می‌تواند با تصمیم کنگره حزب به‌صورت داوطلبانه انجام شود و هم به‌صورت اجباری با حکم دادگاه به‌دلیل نقض الزام‌های قانونی؛ برای نمونه، بروز علائم افراط‌گرایی امکان‌پذیر است، زیرا ایجاد و فعالیت احزاب سیاسی که هدف‌ها یا اقدام‌های آن‌ها از نوع افراطی باشد، ممنوع است. افزون بر این، قانون فدرال «در مورد احزاب سیاسی» مشارکت اجباری احزاب در انتخابات را پیش‌بینی کرده است. اگر حزبی ۷ سال متوالی در انتخابات شرکت نکرده باشد از سوی دادگاه منحل می‌شود. برای نمونه، دادگاه‌ها در سال ۲۰۱۹، ۹ حزب را به همین دلیل منحل کردند (Kovalenko, 2020: 126). این موضوع در کاهش تعداد احزاب در روسیه تأثیر می‌گذارد.

افزون بر این، یکپارچه‌شدن احزاب سیاسی نیز موجب کاهش تعداد آن‌ها می‌شود. برای نمونه، حزب «روسیه عادل» در ۲۲ فوریه ۲۰۲۱ به‌طور رسمی با احزاب «میهن پرستان روسیه»^۱ و «برای حقیقت»^۲ یکپارچه شد و نام خود را تغییر داد. حزب جدید «روسیه عادل - میهن پرستان - برای حقیقت»^۳ نام گرفت که به اختصار «روسیه عادل - برای حقیقت»^۴ نامیده می‌شود. با وجود آزادسازی قوانین برای تقویت کثرت‌گرایی و آسان‌سازی شکل‌گیری احزاب، احزاب سیاسی روسیه، اگرچه همچنان با وجود روند کاهشی دوباره در سال‌های اخیر پرتعداد هستند، اما بازیگران قابل توجهی در سیستم سیاسی نیستند.

در روسیه امروز بسیاری از احزاب از ایده‌های مشترک حمایت می‌کنند؛ همه احزاب معتقدند روسیه باید اقتصاد را توسعه دهد، از شهروندان خود در برابر دشمنان خارجی محافظت کند، با فساد و دزدی مقام‌های خود مبارزه کند و اخلاق شهروندان را زیر نظر بگیرد (Bolotskikh, 2016). به عقیده بالتسکیخ، احزاب سیاسی در روسیه امروز به‌طور کامل سیاسی

^۱ Патриоты России/ Patriots of Russia

^۲ За Правду/ For Truth

^۳ Справедливая Россия - Патриоты - За Правду/ A Just Russia — Patriots — For Truth

^۴ Справедливая Россия - За Правду/ A Just Russia – For Truth

نیستند که منافع طبقات و گروه‌های اجتماعی را بیان کنند، بلکه نوعی ساختار ساختگی دارند که برای تقلید از زندگی سیاسی و پوشاندن قدرت مطلق دیوانی مقام‌ها و تأمین منافع اقتصادی مسئولان دولتی و نمایندگان کسب‌وکارهای بزرگ مربوط با دولت طراحی شده‌اند. به باور وی، تلاش برای بازآفرینی احزاب سیاسی ابتدای قرن بیستم شکست خورده است. از سوی دیگر، اگر در دهه ۱۹۹۰ اختلاف نظرهای قابل توجهی در مسیر توسعه روسیه و مبارزه سیاسی به نسبت واقعی وجود داشت، در هزاره جدید، تقلید، وجه غالب این روند شده است (Bolotskikh, 2016: 101). به علاوه ترکیب احزاب سیاسی راه‌یافته به دوما در دوره‌های اخیر تقریباً ثابت است.

شایان توجه است که انتخابات مجلس در فدراسیون روسیه براساس یک نظام ترکیبی برگزار می‌شود که در آن نیمی از ۴۵۰ کرسی براساس نظام تناسبی به نمایندگان فهرست‌های احزاب راه‌یافته به مجلس و نیمی دیگر براساس نظام اکثریتی (اکثریت نسبی) به نمایندگان منتخب ۲۲۵ منطقه تک‌نماینده اختصاص می‌یابد. این نظام ترکیبی از اولین تا چهارمین دوره انتخابات دوما (در سال‌های ۱۹۹۳، ۱۹۹۵، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۳) و در انتخابات مجلس در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۱ استفاده شد. اما انتخابات دوره‌های پنجم و ششم مجلس دوما روسیه (در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱) فقط براساس نظام تناسبی بود.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در سال ۲۰۱۱ مجلس دوما تصویب کرد در انتخابات بعدی این مجلس در سال ۲۰۱۶، حد نصاب از ۷ درصد به ۵ درصد کاهش یابد. در آن دوره که حد نصاب ۷ درصد بود، بنابر بند ۲ و ۳ ماده ۸۲،۱ قانون فدرال شماره ۹۴ مصوب ۱۲ مه ۲۰۰۹ در مورد انتخابات مجلس، اگر حزبی بین ۵ تا ۶ درصد رأی به‌دست می‌آورد، حق داشت فقط یک نماینده معرفی کند و اگر حزبی بین ۶ تا ۷ درصد رأی به‌دست می‌آورد، می‌توانست دو نماینده در مجلس داشته باشد، البته با این شرط که این نمایندگان از حق عضویت در فراکسیون‌های مجلس محروم می‌شدند. اما احزابی که دست‌کم ۷ درصد رأی لازم را به‌دست می‌آوردند، نمایندگان آن‌ها از حقوق برابر برای عضویت در فراکسیون‌ها برخوردار می‌شدند.

پس از اصلاح قانون انتخابات مجلس دوما در سال ۲۰۱۴، احزاب باید حد نصاب ۵ درصد را به‌دست بیاورند تا بتوانند نمایندگانی در مجلس داشته باشند. همچنین لازم است که دست‌کم دو حزب در این رقابت‌ها شرکت داشته باشند تا انتخابات رسمیت پیدا کند. چنانچه مشارکت مردم در روز انتخابات ضعیف باشد و در نتیجه، مجموع تعداد آرای بدست آمده احزابی که بیش از ۵ درصد رأی به‌دست می‌آورند، روی هم کمتر از ۵۰ درصد تعداد افراد واجد شرایط برای رأی‌دهی باشد، در آن صورت، احزابی که کمتر از حد نصاب ۵ درصد رأی آورده باشند نیز به مجلس راه می‌یابند.

برای تعیین نیمی دیگر از نمایندگان دوما (۲۲۵ نفر براساس نظام انتخاباتی اکثریتی)، بنابر قانون فدرال شماره ۳۰۰، مصوب ۳ نوامبر ۲۰۱۵ در مورد تعیین حوزه‌های انتخاباتی تک‌نماینده، کمیسیون مرکزی انتخابات روسیه کل کشور را به ۲۲۵ حوزه انتخاباتی (تقریباً مساوی از نظر جمعیت واجد شرایط برای رأی‌دادن) تقسیم می‌کند که بنابر قانون برای یک دوره ۱۰ ساله این تقسیم‌بندی‌ها معتبر بوده و پس از آن، بازنگری می‌شود. مرزهای این مناطق به‌گونه‌ای در نظر گرفته می‌شوند که هر حوزه انتخابیه درون مرزهای یکی از واحدهای تشکیل‌دهنده فدراسیون روسیه (جمهوری، استان، مناطق فدرال، شهر فدرال) قرار گیرد و بخشی از آن، هم‌زمان در محدوده استحقاقی واحد سیاسی دیگر قرار نگیرد. در هر یک از این ۲۲۵ منطقه، نامزدی که بتواند در حوزه انتخابیه خود اکثریت نسبی آرا را به‌دست آورد به مجلس راه پیدا می‌کند. اگر در یک حوزه انتخاباتی تک‌نماینده، تعداد آرای دو نفر از نامزدها مساوی شود، در آن صورت یکی از این دو نامزد که زودتر در این حوزه انتخابیه ثبت‌نام کرده باشد، به‌عنوان نماینده منتخب به مجلس راه پیدا می‌کند. نامزدهای مناطق تک‌نماینده می‌توانند به‌صورت مستقل در انتخابات شرکت کنند یا اینکه به نمایندگی از حزب خاصی در آن حوزه نامزد شوند. در سال ۲۰۲۱، ۵ نماینده به‌صورت مستقل به دوما راه یافتند.

نظام انتخاباتی مجلس روسیه اگرچه از نظر تعداد احزابی که به‌منظور گرفتن قدرت، مبارزه می‌کنند، یک نظام چندحزبی به‌نظر می‌رسد، اما در عمل، بیش از ۵۰ درصد کرسی‌های دوما به یک حزب یعنی روسیه واحد اختصاص دارد. این حزب همچنین منابع اداری و امتیازهای قابل توجهی دارد. سایر احزاب پارلمانی یعنی حزب کمونیست، روسیه عادل و حزب لیبرال دموکرات، اگرچه در روند رقابت شرکت و تلاش می‌کنند از یکدیگر پیشی بگیرند، همچنان درباره شخص رئیس‌جمهور اظهار نظر می‌کنند و از حالت عمودی دولت حمایت می‌کنند. بنابراین نوعی عقب‌گرد در توسعه نظام حزبی روسیه دیده می‌شود. چنین وضعیتی یکپارچه‌سازی بالقوه دستگاه‌های حزبی و دولتی را در پی دارد (Gaysina, 2019: 69). بنابراین نتیجه روند سیاسی کنونی، تحرک بیشتر رژیم سیاسی یا دولت است که نه تنها کمکی به توسعه نظام انتخاباتی و تشکیل احزاب سیاسی به‌عنوان بازیگری مهم در سیاست نمی‌کند، بلکه موجب تضعیف توسعه سیاسی می‌شود.

از آنجا که در روسیه قدرت در دست رئیس‌جمهور، متمرکز است، به‌سود احزاب و نخبگان حزبی است که در جهت منافع خود هرچه بیشتر به او نزدیک شوند. این مسأله در عمل احتمال هرگونه مخالفت شدید احزاب با رئیس‌جمهور را کاهش می‌دهد (Nouri, 2006: 195). نظام حزبی روسیه با توجه به سلطه حزب قدرت، در عمل سرشت غیررقابتی دارد. این امر در کنار نابرابری قابل توجه احزاب مخالف غیرپارلمانی و پارلمانی، مشکل اصلی توسعه احزاب در روسیه است. احزاب پارلمانی، منابع اداری زیادی در اختیار دارند و مخالفان غیرپارلمانی نه منابع دارند و نه ثبات سیاسی. این مسائل به‌واسطه قانون فدرال «تضمین برابری

احزاب پارلمانی در پوشش فعالیت آن‌ها به وسیله تلویزیون عمومی و کانال‌های رادیویی»، مصوب ۲۰۰۹ تشدید هم شده است. این قانون، سازوکار برابری برای حضور احزاب پارلمانی در رسانه‌های دولتی در نظر می‌گیرد، اما سایر احزابی که در پارلمان نماینده ندارند نادیده گرفته شده‌اند (Gaysina, 2019: 69).

بنابراین با توجه به تداوم چرخه حضور احزاب پیشین و جایگزین نشدن آن‌ها به سختی می‌توان در مورد نمایندگی واقعی طیف کاملی از منافع جامعه در پارلمان سخن گفت، از این رو توجه شهروندان به انتخابات کاهش می‌یابد. در سال ۲۰۱۶ کمترین میزان مشارکت در کل تاریخ انتخابات پارلمانی در فدراسیون روسیه به میزان ۴۷٫۸۸ درصد ثبت شد (Kolesnikov and Makarenko, 2021). هرچند میزان مشارکت در انتخابات دومای هشتم که در سه روز از ۱۷ تا ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۱ برگزار شد با کمی افزایش به ۵۱٫۶۸ درصد رسید. این دوره به دلیل همه‌گیری کرونا، رأی‌گیری الکترونیکی به‌طور آزمایشی در ۸ منطقه فدرال از جمله شهر مسکو برگزار شد (Koroleva, 2022: 199).

با وجود این، نظر ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در مورد نظام سیاسی روسیه امروز قابل تأمل است. وی ۵ ژوئن ۲۰۲۱ در نشستی با نمایندگان سازمان‌های خبری جهان گفت: «... همه افرادی که فعالیت سیاسی می‌کنند یا می‌گویند که فعالیت سیاسی دارند، باید در چهارچوب قانون فعلی کار کنند. این برای همه یک الزام است. ... شما می‌توانید نظام سیاسی ما را به روش‌های مختلف ارزیابی کنید. این سیستم متناسب با سطح توسعه جامعه روسیه توسعه می‌یابد. ... لطفاً این حق را به ما بسپارید که خودمان تصمیم بگیریم که چگونه این بخش از زندگی خود را سازماندهی کنیم» (Putin said that ..., 2021). پوتین همچنین به رویدادهای ژانویه ۲۰۲۱ در ایالات متحد و بازداشت تعداد زیادی از معترضان آمریکایی که با اتهام‌های جدی از جمله توطئه برای به‌دست‌گرفتن قدرت در این کشور روبه‌رو شدند، اشاره کرد.

اصلاحات قانون اساسی روسیه در سال ۲۰۲۰ نیز رویداد مهمی در عرصه سیاسی این کشور است. این اصلاحات که با گسترده‌ترین تغییرها در قانون اساسی روسیه از سال ۱۹۹۳ تا کنون همراه بوده است از سوی رئیس‌جمهور این کشور گامی به‌منظور دموکراتیک‌شدن جامعه روسیه ارزیابی شد. حتی برخی تحلیلگران نیز با توجه به مواد قانونی (۸۳ و ۱۰۳) از افزایش اختیارات مجالس دوما و سنای روسیه و در نتیجه، از دموکراتیک‌تر شدن نظام سیاسی روسیه سخن گفتند (Sanai and Keramatina, 2021). در همان حال، برخی از موارد اصلاحی حاکی از تقویت نقش ریاست‌جمهوری است. برای نمونه به موجب بخش سوم بند ۲ ماده ۹۵ قانون اساسی روسیه تعداد نمایندگان انتصابی از سوی رئیس‌جمهور در شورای فدراسیون از ۱۷ نفر به حداکثر ۳۰ نفر افزایش می‌یابد. ماده‌های ۱۲۹ و ۱۰۷ نیز افزایش مداخله رئیس‌جمهور در قوه قضائیه و تضعیف استقلال دستگاه قضایی را در پی دارد. از سوی خود ولادیمیر پوتین ۱۵

ژانویه ۲۰۲۰ بر ضرورت نظام ریاستی قدرتمند و وجود اختیارات کافی برای رئیس‌جمهور در کشور روسیه با قلمروی گسترده، ساختار پیچیده ملی و سرزمینی و تنوع سنت‌های فرهنگی و تاریخی تأکید کرد. بنابراین با توجه به اینکه اصلاحات اخیر قانون اساسی در عمل به تداوم و حتی تقویت اقتدارگرایی در روسیه می‌انجامد (Sanai and Keramatinia, 2021) نمی‌توان انتظار داشت این اصلاحات تأثیری در ارتقای جایگاه احزاب سیاسی در روسیه بگذارد و این تغییرها در روند تقویت نقش احزاب سیاسی و به‌دنبال آن جامعه مدنی نخواهد بود.

نتیجه

روسیه با تأخیر نسبت به اروپای غربی در مسیر حزب‌سازی قرار گرفت. سرشت نظام حکومتی روسیه که زیر حکومت مطلقه تزارهای روس قرار داشت و همچنین فرهنگ سیاسی اقتدارگرای این کشور مؤثر بود. روسیه دو مرحله حزب‌سازی را پشت سر گذاشته است؛ دوره نخست در اواخر دوره روسیه تزاری و دوره دوم در آخرین سال‌های حاکمیت حزب کمونیست در شوروی. در دوره حکومت نظام کمونیستی در عمل، یک نظام تک‌حزبی شکل گرفت که بر تمام حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی مسائل شخصی افراد سایه انداخت. این نظام حکومتی در عمل یک دولت تام‌گرایی پلیسی و ایدئولوژیک بود که نه تنها هیچ صدای مخالفی را بر نمی‌تابید، بلکه هیچ حزبی غیر از حزب کمونیست حق حیات نداشت. با وجود این، با اجرای سیاست‌های اصلاح‌طلبانه گورباچف تحولات مهمی در نظام سیاسی این کشور، از جمله پیدایش دوباره احزاب رخ داد. فروپاشی شوروی نیز این روند را تسریع و تشدید کرد. با این حال، وضع قانون «احزاب سیاسی» در سال ۲۰۰۱ و کاربست برخی محدودیت‌ها سبب کاهش شمار احزاب شد. این امر تا حدی پیش رفت که دولت ناگزیر شد در اکتبر ۲۰۱۱، لایحه‌ای را به‌منظور آزادسازی ثبت احزاب ارائه دهد و به‌دنبال تصویب این قانون، یک روند افزایشی در ثبت احزاب ایجاد شد و دست‌کم رأی لازم برای ورود احزاب به دوما از ۷ درصد به ۵ درصد کاهش یافت.

نظام سیاسی روسیه بنابر قانون اساسی فدراسیون روسیه، چندحزبی است، اما بیشتر کرسی‌های مجلس را یک حزب به‌دست آورده است. بنابر آمارها، از دوره چهارم مجلس دوما (۲۰۰۳) تا دوره هشتم (۲۰۲۱)، حزب «روسیه واحد» به‌عنوان حزب متبوع قدرت حاکمه، اکثریت مطلق آرا را به‌دست آورده است. این حزب نه تنها در دوما دولتی، بیشترین کرسی را دارد، بلکه در پارلمان‌های منطقه‌ای و سطح‌های شهرداری نیز بیشترین تعداد نماینده را دارد و در عمل به «حزب قدرت» تبدیل شده است. این حزب در همه امور حضور فعال دارد و دیگر احزاب، حوزه اختیارات محدودی دارند و چندان هم اثرگذار نیستند. در نتیجه، نظام حزبی روسیه بیش از اینکه نمونه یک نظام چندحزبی باشد، به نظام حزب مسلط تبدیل شده است.

افزون بر این احزاب سیاسی در روسیه امروز منافع اقشار مختلف جامعه را نمایندگی نمی‌کنند. آن‌ها در عمل پل ارتباطی مؤثری بین مردم و مقام‌ها نیستند. بخشی از این مشکل ناشی از ضعف جامعه مدنی و حتی به بیانی وجود جامعه توده‌ای در روسیه است که از پیشینه تاریخی در این کشور برخوردار است. طبقه متوسط ضعیف، استیلای دولت‌های قدرتمند، نوسازی‌های سیاسی و دستوری از بالا (که از ویژگی‌های اصلاحات و نوسازی در روسیه است)، در طول تاریخ در عمل نهادهای مستقل از دولت و نیروهای اجتماعی را به حاشیه رانده است. بنابراین تا زمانی که جامعه مدنی قوی و مطالبه‌گری در روسیه شکل نگیرد، احزاب سیاسی با وجود حضور در نظام سیاسی در عمل نقش اصلی خود را به‌عنوان رابط جامعه مدنی و حکومت بازی نخواهند کرد و تنها به‌صورت نمایشی و با قابلیت‌های محدود به حیات خود ادامه می‌دهند.

با توجه به تقویت بیشتر نقش رئیس‌جمهور در روسیه در اصلاحات سال ۲۰۲۰ قانون اساسی، نمی‌توان تصور کرد که پس از این اصلاحات، شاهد نقش‌آفرینی بیشتر و مؤثر گروه‌های مختلف احزاب سیاسی در انتخابات و حیات سیاسی اجتماعی روسیه باشیم، زیرا هر زمان رئیس‌جمهور روسیه اراده کند، بنابر اختیاراتی که دارد، به‌وسیله حزب قدرت می‌تواند در راستای منافع خود بر وضع قوانین در مجلس تأثیر بگذارد. از این‌رو، انتظار نمی‌رود این اصلاحات در چشم‌اندازی کوتاه‌مدت و میان‌مدت بر نقش کنونی و تقویت جایگاه احزاب سیاسی در روسیه تأثیر چندانی بگذارد.

References

- Alam, Abdurrahman (1999), **Foundations of Political Science**, 5th edition, Tehran: Nei Publishing House [in Persian].
- Andreev, Igor (2010), 'B. N. Chicherin: The Institute of Political Parties in the Perception of a Philosopher', **Bulletin of Moscow University. Political Science**, Vol. 12, No. 3, pp. 3-10, Available at: <https://cyberleninka.ru/article/n/b-n-chicherin-institut-politicheskikh-partiy-v-vospriyatii-filosofa> (Accessed on: 2021/06/20) [in Russian].
- Bolotskikh, Viktor (2016), 'Political Parties in Russia in the Past and Present', **Interexpo Geo-Siberia**, Available at: <https://cyberleninka.ru/article/n/politicheskie-partii-v-rossii-v-proshlom-i-nastoyaschem-vremeni>. (Accessed on: 2021/06/20). [in Russian].
- Borisenko, Vladimir and Elena Chernysheva (2020), 'Reduction of Political Parties in Russia (2019-2020)', **Social and Humanitarian knowledge**, pp.104-109, (doi:10.34823/SGZ.2020.5.51482) [in Russian].
- Federal Law of July 11, 2001 N 95-FZ (as amended on April 30, 2021) "On Political Parties", Article 3. The Concept of a Political Party and Its Structure (2021), **Consultant Plus**, Available at: <http://www.consultant.ru>.

- ru/document/cons_doc_LAW_32459/6503b753e1e72a738f4f2fc522dcfe3cf08e4a10/, (Accessed on: 2021/06/20). [in Russian].
- Gaisina, Anastasia (2019), "Political Parties and the Party System of Russia: on the Issue of Classification", **Ural Federal University**, Yekaterinburg, Vol. 25, No. 2, pp. 63-71, (doi: 10.21209/2227-9245-2019-25-2-63-71) [in Russian].
- Khvostova, Irina (2013), "Peculiarities of the Process of Formation of Political Party in Pre-revolutionary Russia", **System of Values of Modern Society**, pp.76-80, Available at: <https://cyberleninka.ru/article/n/osobennosti-protssessa-formirovaniya-politicheskikh-partiy-v-dorevolyutsionnoy-rossii>. (Accessed on: 2021/06/20). [in Russian].
- Kolesnikov, Andrei and Boris Makarenko (2021), Four Unknowns Ahead of Russia's 2021 Parliamentary Elections, **Carnegie Endowment for International Peace**, Available at: <https://www.carnegiemoscow.org/commentary/84722>, (Accessed on: 2021/06/20), [in Russian].
- Koolae, Elaheh and Farzad Kalbali (2014), "The Obstacles of Formation Civil Society in Russia", **Central Eurasia Studies**, Vol. 7, No. 2, October 2014, pp. 319-334, (doi:10.22059/JCEP.2014.52982), [in Persian].
- Koroleva, Larisa (2022), 'Elections to the State Duma of the Russian Federation of the VIII Convocation (September 2021): **Political Science analysis**', **Economic and Socio-Humanitarian Studies**, Vol. 1, No. 33, pp.195—200, Available at: <https://esgi-miet.ru/images/Stati20221/195-200.pdf>. (Accessed on: 2022/ 10/ 23). [in Russian].
- Kovalenko, Valery (2020), **Modern Russian Politics: Political Relations, Institutions, Processes**, under Gen. ed. V. I. Kovalenko, Moscow: Moscow University Press, PDF e-book, <https://www.polit.msu.ru/wp-content/uploads/2020/04/Современная-российская-политика..pdf>. [in Russian].
- Leonov, Mikhail (2019), "Russian Multiparty System in the Newest Patriotic Historiography", **Bulletin of the Samara University. History, Pedagogy, Philology**, Vol. 25, No. 4, pp. 42-46, (doi: 10.18287/2542-0445-2019-25-4-42-46 Submitted: 10/X/2019), [in Russian].
- McDaniel, Tim (2010), **Autocracy, Modernization, and Revolution in Russia and Iran**, Parviz Delirpour (translator), Sabzan, Tehran, [in Persian].

- Meinhof, Rudy (2020), *New People: A Party of Lies and Empty Promises*, Available at: <https://www.vestnikburi.com/novye-lyudi-partiya-lzhi-i-pustyh-obeshhanij/>, (Accessed on: 2021/ 06/ 23). [in Russian].
- List of Registered Political Parties, Ministry of Justice of the Russian Federation (2021), **Ministry of Justice of Russia**, Available at: <https://www.minjust.gov.ru/ru/pages/politicheskie-partii/>, (Accessed on: 2021/06/20). [in Russian].
- Nikonenko, Sergei (2013), “Civil Society and Political Parties in 2011–2012 Federal Election Cycle: Allies and / or Antagonists?”, **Tambov University Bulletin**, Vol. 7, No. 123, pp. 315-322. Available at: <https://www.cyberleninka.ru/article/n/grazhdanskoe-obschestvo-i-politicheskie-partii-v-federalnom-elektoralnom-tsikle-2011-2012-gg-soyuzniki-i-ili-antagonisty> (Accessed on: 2021/06/20). [in Russian].
- Nouri, Alireza (2006), *Parties and Russia's Foreign Policy in the Putin Era*, **Central Asia and Caucasus Studies Quarterly**, No. 58. pp. 189-216, [in Persian].
- Putin Said that the Opposition in Russia Works Openly, Including Outside the System (2021), **TASS**, Available at: <https://tass.ru/politika/11575227>, (Accessed on: 2021/06/23). [in Russian].
- Rashidi, Ahmad (2016), “Sociological Strategies for Conflicting Approaches in Russian Foreign Policy”, **Central Eurasia Studies**, Vol. 9, No. 2, pp. 267-249, (doi: 10.22059/JCEP.2016.6054 [in Persian].
- Results of the State Duma elections – 2021 (2021), **RIA Novosti**, Available at: <https://ria.ru/20231118/konflikt-1910336011.html>, (Accessed on: 2023/09/23). [in Russian].
- Sanai, Mehdi and Roghaye Keramatinia (2021), “Russian Constitutional Amendments of 2020; Persistence and Increase of Authoritarianism”, **Central Asia and Caucasus Studies Quarterly**, Vol. 25, No. 4, pp. 59-21. Available at: http://ca.ipisjournals.ir/article_244895_365dbae320f96e4be063a8f68fcb531.pdf (Accessed on: 2021/06/23). [in Persian].
- Sapronov, Aleksandr (2017), *Emergence of Political Parties in Russia: Their Program, Tactics, Leaders*, **Materials of the IX International Student Scientific Conference “Student Scientific Forum”**, Available at: <https://scienceforum.ru/2017/article/2017032902>, (Accessed on: 2021/06/23). [in Russian].
- Stepanov, Sergey (2008), **Political Parties of Russia: History and Modernity**, Proc. Allowance, Moscow: RUDN University, PDF e-book, <https://repository.rudn.ru/ru/records/manual/record/37755/> [in Russian].

- The Constitution of the Russian Federation, Adopted by Popular Voting on December 12, 1993, Available at: <http://konstitucija.ru/1993/1/>, (Accessed on: 2021/06/23). [in Russian].
- Toshchenko, Zhan (2018), **Political Sociology: a Textbook for Academic Undergraduate Studies**, 5th ed., Revised, and Additional - Moscow: Yurait, [in Russian].
- Tyumeneva, Natalia (2019), "Reforming the Institute of Political Parties in Russia: History and Modernity", **Epoch of Science**, No. 17, March 2019, 19-23, (doi:10.24411/2409-3203-2018-11705), [in Russian].
- Zabolotskikh, Alexander (2016), "The Social Composition and Main Tasks of Russian Right-Monarchist and Centrist Political Parties of the Early Twentieth Century", **Bulletin of the MGIMO University**, Vol. 2, No. 47, pp.190-196, (doi: 10.24833/2071-8160-2016-2-47-190-196), [in Russian].
- Zevelev, Alexander, Yuri Sviridenko, Dmitry Pavlov and Alexander Stepansky (2000), What Is a Party? Available at: <http://www.grachev62.narod.ru/mnpt/chapt00.htm>, (Accessed on: 2021/06/23). [in Russian].
- Zotova, Zoya (2001), **Political Parties of Russia. Organization and Activities**, Moscow: Russian Center for Education in Electoral Technologies, PDF e-book, <https://www.rcoit.ru/upload/iblock/74a/02.pdf>. [in Russian].